

در بحبوحه‌ی تنها گذاشتن مردم غزه و کرانه‌ی باختری، نظام اردن در گمراه کردن مردم اردن زیاده‌روی می‌کند

نظام اردن، هرچند در تبعیت و خدمات بی‌وقفه‌اش برای جدا کردن مردم اردن از دینشان، محو هویت اسلامی‌شان، و جایگزینی آن با وطن‌پرستی دروغین و مرزهای ساخت استعمار پیش رفته باشد، هرگز نخواهد توانست مأموریتی را که برای آن به وجود آمده است، یعنی تثبیت رژیم صهیونیستی در فلسطین، به‌طور کامل به انجام برساند. این مأموریت، در ادامه، توسط آمریکا پی گرفته شد؛ کشوری که با حمایت گسترده از رژیم صهیونیستی را در منطقه بر عهده گرفت.

هر زمانی که پیچ‌وخمی امنیت و ثبات نظام اردن را تهدید کند، این نظام فوراً به دروغ‌پردازی، گمراه‌سازی و فریب متوسل می‌شود؛ همان ابزارهایی که اربابش، بریتانیا، به او دیکته کرده است. این رژیم، برای حفظ بقای خود در قدرت و تثبیت موقعیتش، در رویارویی با کشمکش‌های قدرت‌های استعماری بر سر منطقه و ملت‌های آن، از این دروغ‌ها استفاده می‌کند. همچنین، با پیروی از گزینه‌ی استراتژیک غرب، هم‌راستا با سیاست‌های آن در سراسر منطقه، در خدمت حفظ امنیت رژیم صهیونیستی عمل می‌کند، حتی در شرایطی که این رژیم درگیر جنگی نسل‌کشانه و گرسنگی دادن به مردم غزه است.

در این راستا، و هم‌زمان با ادامه‌ی تجاوزات رژیم صهیونیستی، فریادهای کمک‌خواهی مردم غزه از دل صحنه‌های وحشیانه‌ی روزانه از قتل‌عام و شهادت گرفته تا ویرانی، تکه‌تکه شدن، دفن شدن زنده، و سرانجام گرسنگی ناشی از بسته شدن گذرگاه‌ها و ممانعت از ورود کمک‌ها به گوش می‌رسد؛ همه با همکاری و تبنانی رژیم‌های عربی، به‌ویژه در مصر و اردن. در واکنش به این وضعیت، خشم عمومی در میان مردم اردن بالا گرفت؛ مردمی که با حرکت‌ها، راهپیمایی‌ها و شعارهایی پرشور، خواستار یاری واقعی به غزه، اعزام مردان و به حرکت درآوردن ارتش‌ها شدند و به خیابان‌ها آمدند.

طبق عادت همیشگی، هرگاه نظام اردن تهدیدی علیه موجودیت خود احساس می‌کند، دیپلماسی خبیثانه‌اش را در اشکال گوناگون به حرکت درمی‌آورد؛ با هدف خاموش کردن شعله‌ی خشم امت، از طریق منحرف کردن نگاه‌ها نه فقط از ناتوانی خود، بلکه از همدستی‌اش در نابودی قضیه‌ی فلسطین. این اقدامات به‌گونه‌ای تنظیم می‌شوند که با طرح‌های رژیم صهیونیستی و پروژه‌های آمریکا برای تحقق منافعشان در منطقه‌ی خاورمیانه هماهنگ بوده و از آن‌ها پشتیبانی کنند.

برای این منظور، اقدامات زیر را در پیش گرفته است:

1. روانه کردن کاروان‌های کمک غذایی: این نظام اصرار داشت که این کمک‌ها به‌صورت رسانه‌ای پوشش داده شود تا از شدت حرکت‌های مردمی بکاهد؛ گویی مردم از هدف چنین کمک‌هایی غافل‌اند؛ همان هدفی که چیزی جز محدود کردن نقش کمک به غزه در قالب امدادسانی مشکوک نیست، تا مردم را از کمک واقعی، یعنی حرکت دادن ارتش‌ها، گمراه کند. این نظام، از طریق واسطه‌های سیاسی، رسانه‌ای، و عوامل سایبری خود، به اتهامات مربوط به ورود کمک‌ها از گذرگاه «کرم ابوسالم» که تحت کنترل صهیونیست‌هاست پاسخ داد، تا به رسانه‌های اردن بهانه‌ای برای تبلیغات ارزان‌قیمت در حمایت از نظام بی‌ارزش خود بدهد؛ با عذر و بهانه‌هایی که از گناه بدترند و نه مردم اردن را می‌فریبند و نه مردم غزه را. آن‌ها از توافق خیانت‌بار «وادی عربیه» و نحوه‌ی استفاده از آن برای ورود کمک‌ها به‌عنوان فضیلت یاد می‌کنند؛ گویی این کافی است برای جبران جنگ نسل‌کشی بی‌وقفه در غزه! و گویی گرسنگی مردم با یک وعده غذا درمان می‌شود، بدون آن‌که به علت اصلی آن پرداخته شود!

2. سرکوب خشونت‌آمیز معترضان: نظام اردن دست به یک کمپین دیوانه‌وار زد که شامل بازداشت‌های گسترده و درگیری‌های نیروهای امنیتی سرکوبگر علیه هر کسی بود که با راهپیمایی‌ها، شعارها یا اظهارات شفاهی از غزه حمایت می‌کرد، به‌ویژه کسانی که خواستار حرکت ارتش‌ها برای یاری واقعی مردم غزه بودند. سرکوب نیروهای امنیتی تا حدی پیش رفت که منجر به آسیب جسمی مرگبار، کور کردن چشم و شکنجه بازداشت‌شدگان شد که این امر نظام را مجبور کرد تا برخی از افسران پلیس را بازداشت و برای تحقیق ارجاع دهد تا از خشم عمومی بکاهد.

3. بی‌تفاوتی در برابر رنج غزه: درحالی‌که غزه زیر بار گرسنگی و بمباران وحشیانه ناله می‌کند، نخست‌وزیر اردن با اظهاراتی ظاهر می‌شود که تنها نشانه بی‌مروتی و بی‌غیرتی و حتی خیانت به ادعای دروغین نظامش مبنی بر حمایت از برادران در غزه است. او می‌گوید: (جشنواره جرش برای اقتصاد استان و بخش گردشگری اردن که دولت با

تمام توان و امکانات خود برای حمایت و تقویت آن تلاش می‌کند، مهم است) و از سوی خود، ایمن سماوی، مدیر اجرایی جشنواره، گفت: (حق ما اردنی‌هاست که شاد باشیم و فلسطین در قلب ماست) این اظهارات نه نشانه برادری است و نه غیرت و داستان کمک‌ها به مردم غزه تنها در چارچوب پوشاندن اشتباهی آمد که مردم اردن با خشم خود آن را بیان کردند و به دنبال آن کسانی که از برگزاری جشنواره جرش ناراحت بودند، بازداشت شدند و حال و زبان مردم این است؛ غزه خون می‌ریزد و نظام آهنگ می‌نوازد!

4. تجدید حمایت از رامحل دو دولتی: در چارچوب جنگ نسل‌کشی در غزه و تجاوزات و آوارگی مستمر در کرانه باختری و در چارچوب از بین بردن قضیه فلسطین، وزارت خارجه و امور مهاجرین اردن روز چهارشنبه 2025/7/23 (به شدیدترین عبارات) رأی‌گیری کنست در مورد بیانه‌ای برای حمایت از حاکمیت بر کرانه باختری و دره اردن اشغالی (الحاق آن‌ها به رژیم صهیونیستی) را محکوم کرد که این را نقض آشکار قوانین بین‌المللی و تضعیف واضح رامحل دو دولتی دانست. این رامحلی است که نظام اردن با وزیر خارجه‌اش و گروه عربی سال‌هاست آن را تکرار می‌کنند و این سیلی‌ای است به‌صورت نظام از سوی رژیم غاصب که آنچه سال‌ها هشدار داده‌شده بود را باطل می‌کند. رامحل دو دولتی که اصولاً مردود است، در واقعیت میدانی جایگاهی ندارد و تنها وسیله‌ای خیالی بوده است که اروپا و آمریکا با آن ساده‌لوحان را سرگرم کرده‌اند، نه‌تنها به دلیل خطر آنچه وطن جایگزین یا کنفدراسیون تحمیلی نامیده می‌شود، بلکه به این دلیل که اشغالگری را تثبیت می‌کند و طمع‌ورزی‌های واقعی صهیونیست‌ها را حتی برای کسانی که ادعا و دعوت به رامحل‌های صلح‌آمیز می‌کنند، آشکار می‌سازد، درحالی‌که آمریکا در حال آماده‌سازی اقدامات خود برای دوران پس‌از غزه است.

محدودکردن واکنش به این موضع خطرناک تنها در حد محکومیت - آن‌هم بدون کوچک‌ترین اشاره‌ای به رامحل نظامی در برابر رژیم صهیونیستی - به‌معنای همراهی نظام اردن با نقشی نابودی قضیه‌ی فلسطین است. چنین موضعی نشان می‌دهد که برای این نظام، اهمیت ندارد آیا مردم کرانه‌ی باختری به‌صورت داوطلبانه یا اجباری به اردن کوچ داده شوند، یا آن‌که ساکنان کرانه، به‌صورت کنفدرال به‌عنوان بخشی از اردن تعریف شوند. بلکه این موضع نشان می‌دهد که نظام اردن نه به خود اردن، نه به امنیت و نه به حاکمیت آن اهمیت می‌دهد، تا رژیم صهیونیستی بتواند به طمع‌ورزی‌های خود دست یابد - طمع‌هایی که ترامپ از آن‌ها حمایت کرده و آمریکا برای تحقق منافعش در خاورمیانه، طبق خواست و صلاح‌دید رژیم صهیونیستی، برایشان تلاش می‌کند.

حل قضیه‌ی فلسطین برای مسلمانان، مسئله‌ای پیچیده یا ناشناخته نبوده است. از همان آغاز اشغال سرزمین فلسطین به‌دست صهیونیست‌ها، و تبنانی حاکمان به‌ظاهر مسلمان در جنگ‌های ساختگی، استعمارگران غربی گام‌به‌گام پروژه‌ی بلعیدن تدریجی این سرزمین را پیش بردند. در طول این مسیر، امتیازهای پی‌درپی از سوی این حاکمان خائن به دشمن داده شد؛ تا آن‌جا که صهیونیست‌ها، در برابر این خیانت آشکار، نه‌تنها پیشروی کردند، بلکه موجودیت خود را به‌عنوان ابزاری استعماری در منطقه و سلاخی پیشرفته علیه امت اسلامی، درک کردند - ابزاری برای جلوگیری از بازگشت خلافت اسلامی. خلافتی که یکی از اولویت‌های آن، ارائه‌ی رامحلی شرعی و عملی برای قضیه‌ی فلسطین است؛ رامحلی که در رأس آن، به‌حرکت‌درآوردن ارتش‌های مسلمان برای آزادسازی و پاک‌سازی سرزمین فلسطین از صهیونیست‌ها قرار دارد.

(يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْرِثَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ)

«روزی که عذر ستمکاران به کارشان نمی‌آید، و لعنت و سرانجامی شوم در انتظارشان خواهد بود.»

برگرفته از شماره ۵۵۸ جریده الرایه